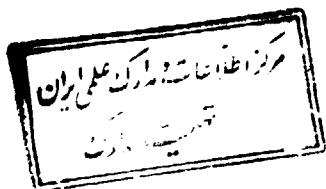


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۳۴۹۷۲

۱۳۸۰ / ۴ / ۳۰



دانشگاه تهران
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد «فوق لیسانس»

علوم سیاسی

موضوع:

بررسی تأثیر بحران مشارکت سیاسی در فروپاشی رژیم پهلوی دوم

استاد راهنما:

دکتر سید حسین سیف زاده

012297

استاد مشاور:

دکتر مصطفی ملکوتیان

نگارش:

علی رضایی

اسفند ۱۳۷۹

۳۴۹۷۳

چکیده

امروزه فروپاشی نظامهای سیاسی بعنوان یکی از پدیده‌های مهم سیاسی و اجتماعی بشر، از جمله دغدغه‌های اصلی اندیشمندان علوم سیاسی است. آنها در صدداند با باز نمایی و تحلیل علل و عوامل مؤثر در اضمحلال نظامهای سیاسی را تبیین نمایند.

در تاریخ معاصر ایران نیز، فروپاشی رژیم پهلوی از پدیده‌های مهمی است که توجه اندیشمندان و محققان داخلی و خارجی را به خود معطوف نموده است. در بررسی موضوع، نکته مهم آن است که تنها با اتکا به یک عامل نمی‌توان این رخداد سیاسی را تحلیل و تبیین نمود. در بررسی آثار داخلی و خارجی که در زمینه فروپاشی رژیم پهلوی به رشته تحریر درآمده است، مشاهده می‌کنیم که محققان با توجه به زمینه‌های مطالعاتی و تحقیقاتی خود یکی از عوامل را برجسته دیده و بر اساس آن کوشیده‌اند چگونگی این پدیده را تحلیل و تبیین نمایند. در بررسی آثار موجود، اثر مستقلی که با تمسک به بحران‌های پنجگانه توسعه سیاسی (بحران هویت، بحران توزیع، بحران نفوذ، بحران مشارکت و بحران حقانیت) پیرامون سقوط رژیم پهلوی نوشته شده باشد مشاهده نگردید و تنها در بعضی از منابع نسبت به تأثیر بحرانها در فروپاشی رژیم بصورت پراکنده اشاره گردیده است.

این پژوهش در نظر دارد با بهره‌گیری از منابع پراکنده موجود، فروپاشی رژیم

پهلوی دوم را با اتکا به دو فقره از بحرانهای پنجگانه توسعه سیاسی (بحرانهای مشارکت و حقانیت) به محک آزمون بگذارد. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که مشارکت‌طلبی مردم ایران قبل از نهضت مشروطه آغاز و با رفع حاکمیت دیکتاتوری در سال ۱۳۲۰ از جامعه ایران وارد مرحله جدیدی گردیده است. فراهم

شدن فضای باز سیاسی و فعال شدن تشکل‌ها و احزاب سیاسی میل و رغبت مردم را نسبت به مشارکت سیاسی افزایش داد. اما با وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دوره جدیدی از حاکمیت استبداد در ایران شروع گردید. سرکوب آزادی‌ها، تشکل‌های سیاسی، مطبوعات مستقل و برقراری انسداد سیاسی جامعه را با بحران مشارکت سیاسی مواجه نمود. تداوم این بحران منجر به از بین رفتن مقبولیت مردمی رژیم و باعث ظهور بحران حقانیت (مشروعیت) گردید. استمرار بحران‌های مشارکت و حقانیت، زمینه سقوط رژیم پهلوی دوم را فراهم نمود.

در فراهم آوردن این مجموعه، اول خدای عز و جل را شاکرم که توفیق عنایت فرموده و آنگاه از راهنمایی‌های اساتید گرانقدر جناب آقایان دکتر سید حسین سیف زاده «استاد راهنما»، دکتر مصطفی ملکوتیان «استاد مشاور» و دکتر ملک محمدی «استاد داور» که واقعاً به اینجانب لطف بسیار داشته‌اند صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نمایم. امید اینکه خداوند متعال بر توفیقاتشان بیفزاید.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	چکیده
۱	مقدمه
۲	چارچوب پژوهش
۲	الف) طرح مسئله
۳	ب) تعریف مفاهیم
۳	۱- مفهوم مشارکت سیاسی
۴	۲- تعریف حقانیت
۶	سؤال اصلی پژوهش
۷	فرضیه اصلی
۷	پیشینه موضوع
۸	اهمیت موضوع
۸	نقطه تمرکز موضوع
۸	روش پژوهش
۸	سازماندهی پژوهش
۱۰	● فصل اول - کلیات و چارچوب مفهومی بحث
۱۱	■ گفتار اول: تحلیل نظری مشارکت سیاسی
۱۱	الف) جایگاه مشارکت سیاسی در نظریات توسعه سیاسی
۱۱	- انتخاب الگوی مناسب
۱۷	ب) انواع مشارکت سیاسی
۱۷	۱- مشارکت مسالمت آمیز و غیر مسالمت آمیز
۱۷	۲- مشارکت فعالانه و منفعلانه
۱۸	ج) عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی
۱۸	۱- توزیع منابع قدرت
۲۰	۲- نهاد سازی
۲۳	۳- فرهنگ سیاسی
۲۵	■ گفتار دوم: تحلیل نظری حقانیت سیاسی
۲۵	الف) بررسی مفهومی حقانیت
۲۷	- انواع حقانیت

۲۸	ب) جایگاه مشارکت سیاسی در تأمین حقانیت نظام سیاسی
۳۰	۱- گسترش آگاهی و تقویت مشارکت طلبی
۳۱	۲- مشارکت سیاسی نهادمند
۳۳	ج) تبیین بحران‌های مشارکت و حقانیت بر اساس نظریه بحران
۳۴	۱- بحران هویت
۳۴	۲- بحران توزیع
۳۵	۳- بحران نفوذ یا رسوخ
۳۵	۴- بحران یکپارچگی
۳۵	۵- بحران مشارکت
۴۱	۶- بحران حقانیت
۴۴	● فصل دوم - حقانیت سیاسی و فرایند مشارکت سیاسی در رژیم پهلوی دوم
۴۵	■ گفتار اول: مشارکت سیاسی در رژیم پهلوی دوم
۴۷	الف) فعالیت احزاب در رژیم
۵۹	ب) انتخابات مجلس
۶۲	ج) دستگاه اداری
۶۲	۱- ویژگی‌های دستگاه اداری محمدرضا شاه
۶۶	۲- دستگاه اداری ابزاری برای انباشت قدرت
۶۷	۳- نارضایتی کارکنان دستگاه اداری
۶۸	■ گفتار دوم - اقدامات و ابزارهای رژیم برای کسب حقانیت
۶۸	الف) اقدامات فرهنگی
۷۰	۱- ترویج فرهنگ شاهنشاهی
۷۱	۲- تعارض در سیاست‌های فرهنگی
۷۳	ب) اقدامات اقتصادی
۸۰	ج) نخبگان وفادار
۸۹	● فصل سوم - فرایند مشارکت طلبی سیاسی و نحوه پاسخگویی رژیم پهلوی به آن
۹۱	■ گفتار اول - حزب توده و سرکوب آن
۹۵	■ گفتار دوم - مشارکت خواهی نیروهای ملی و سرکوب آنها
۹۶	الف) بحران سیاسی ظهور جبهه ملی دوم
۹۸	ب) نخست وزیر دکتر علی امینی و جبهه ملی

۱۰۰	■ گفتار سوم - طبقه متوسط جدید مشارکت طلب
۱۰۷	الف) گستره طبقه متوسطه جدید
۱۰۹	■ گفتار چهارم - انتظارات و مطالبات نیروهای مذهبی
۱۱۲	الف) تقسیم بندی روحانیت بر اساس خواسته‌های سیاسی از رژیم
۱۱۶	ب) نقش محوری امام خمینی در بیان خواسته‌ها و انتظارات جریان مذهبی
۱۱۸	- انقلاب سفید و تشدید مبارزه در رژیم
۱۲۱	ج) پاسخ رژیم به انتظارات و خواسته‌های روحانیت
۱۲۷	● فصل چهارم - بحران مشارکت و حقانیت در رژیم پهلوی دوم
۱۳۰	■ گفتار اول - نمودهای بحران مشارکت
۱۳۰	الف) راه اندازی سیستم تک حزبی
۱۳۸	ب) ناکامی رژیم در برگزاری انتخابات آزاد
۱۴۲	ج) نقش نیروهای امنیتی در سرکوب مشارکت طلبی نیروهای سیاسی
۱۴۸	■ گفتار دوم - نمودهای بحران حقانیت
۱۴۸	الف) روند گرایش به مبارزات غیر مسالمت آمیز
۱۵۷	ب) فضای باز سیاسی و آشکار شدن نارضایتی‌ها
۱۶۱	۱- نمایان شدن نارضایتی‌های طبقه متوسط جدید مشارکت طلب
۱۶۴	۲- طرح حکومت اسلامی در مقابل سلطنت
۱۶۵	۳- آغاز و گسترش تظاهرات عمومی
۱۶۹	ج) تزلزل حاکمیت رژیم پهلوی (مشارکت از روی اضطرار)
۱۷۱	۱- تشدید سرکوب و عمیق‌تر شدن بحران حقانیت
۱۷۳	۲- گسترش بحران و فروپاشی رژیم
۱۸۱	نتیجه
۱۸۶	فهرست منابع
۱۸۶	الف) کتب فارسی
۱۹۰	ب) مجلات
۱۹۱	منابع انگلیسی

مقدمه:

از اواخر قرن سیزدهم هجری مسئله مشارکت سیاسی در ایران به طور فزاینده‌ای موضوعیت یافت. از این پس، شاهد آن هستیم که تقاضا برای حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی - سیاسی خویش یکی از اولین دغدغه‌های مبارزات سیاسی شده است، که در گذر زمان، ابعاد و پیچیدگیهای تازه پیدا کرده است. استدلال نسبت به ضرورت مشارکت انسان در امور سیاسی و اجتماعی خویش باعث شده است که در طول یک قرن گذشته چرایی و چگونگی مشارکت از سوی اندیشمندان سیاسی ایران مورد بحث و بررسی قرار گیرد. گرچه در نوشته‌های آنان مشارکت سیاسی امری جدید است ولی موضوع مشارکت در عرصه سیاست و علم آن، عمری به قدمت تاریخ دارد. ارسطو در طبقه بندی حکومتها یکی از معیارهای مهم را مشارکت بیشتر یا کمتر در اخذ تصمیم سیاسی دانسته است. البته مفهوم مشارکت در میان یونانیان رابطه مستقیم با مفهوم شهروندی در آن روزگار، که از برده و افراد خارجی و زنان متمایز است، دارد. مشارکت به مفهوم امروزی که کمابیش متداول است، در زندگی جوامع انسانی پدیده‌های جدید محسوب می‌شود که در پی انقلاب صنعتی، ظهور عصر روشنگری و ارائه آراء و عقاید اندیشمندان و فیلسوفان اروپایی مانند جان لاک، روسو، منتسکیو، درباره دولت، حاکمیت حکومت، مجالس مقننه، حکومتهای مشروطه و دموکراسی که همه در برابر حکومت‌های فئودالی و مطلقه اروپایی عنوان شدند، زمینه مشارکت مردمی پدید آمد و به تدریج گروهها و قشرهای جدیدی از جامعه خواهان اثرگذاری بر روی سیاست شدند. این امر از صاحبان ثروت و مکننت آغاز و به تدریج همه گروههای دیگر را در بر گرفت. در ایران مشارکت سیاسی ابتدا خواسته روشنفکران بوده و در آستانه انقلاب مشروطیت مطرح شد و پس از آن مشارکت در عمومی‌ترین شکل آن بر حسب تساوی حقوق و مشارکت همگانی و حق رأی تعمیم یافت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی بوجود آمدن زمینه مشارکت مردم در مسائل سیاسی و اجتماعی «مشارکت سیاسی» به یکی از موضوعات مهم سیاسی تبدیل گردید. مروری بر ادبیات روزنامه‌ای و علمی در برهه‌های بازتر فضای سیاسی نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی یکی از مهمترین و اساسی‌ترین مفاهیم ادبیات سیاسی ایران به شمار آمده و از مهمترین ارکان توسعه سیاسی بیان گردیده است. به اعتقاد متفکران سیاسی ایران مشارکت سیاسی از ضرورت‌های جدا نشدنی و انکارناپذیر نظامهای سیاسی قرن بیست و یکم میلادی است. آنان نظر اندیشمندان سیاسی را می‌پذیرند که اصلی‌ترین شاخص توسعه یافتگی پاسخ به نیازهای فزاینده مشارکت سیاسی و نهادینه کردن آن در قالب نهادهای مدنی است.

چارچوب پژوهش

الف) طرح مسئله

در خصوص علل فروپاشی رژیم پهلوی دوم، از سوی محافل علمی و دانشگاهی، گاه این مسئله مطرح می‌شود که این رژیم نتوانست یا نخواست همراه با پیشرفت‌های اجتماعی - اقتصادی، زمینه را برای مشارکت سیاسی نیروهای داوطلب، فراهم کند. این امر به عنوان یکی از دلایل از دست رفتن حقانیت سیاسی آن در جامعه مطرح شده است. به نظر این صاحب نظران به رغم اینکه مشارکت خواهی یکی از مسائل مهم در تاریخ سیاسی رژیم پهلوی بود، امروز نیز روند مردم سالاری این موضوع را به یکی از موضوعات اساسی جامعه تبدیل نموده است.

این پژوهشگر مترصد این مسئله است که تا چه حد عدم پاسخ به مشارکت طلبی در سقوط پهلوی دوم مؤثر بوده است. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که مشارکت خواهی مردم ایران قبل از نهضت مشروطه شروع شده و با سقوط رضا شاه و رفع حاکمیت دیکتاتوری از جامعه ایران و نقش آفرینی تشکلهای و احزاب در صحنه سیاسی میل و اشتیاق مردم به مشارکت سیاسی افزایش یافت. اما با وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ما شاهد آغاز دوره جدیدی از سرکوب و استبداد در جامعه هستیم که در نتیجه آن آزادی‌ها و فعالیت آزادانه تشکلهای سیاسی محدود شده و در نهایت به فعالیت زیرزمینی تبدیل می‌گردد. با عنایت به اینکه از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶ بار دیگر مشارکت سیاسی به یکی از موضوعات اساسی در سیاست داخلی ایران مطرح گردیده است، به نظر می‌رسد مطالعه این موضوع برای آسیب شناسی فضای سیاسی ایران بسیار مهم است.

البته مفهوم مشارکت سیاسی به عنوان متغیر مستقل در رابطه با متغیر واسطه حقانیت سیاسی در این رساله مطرح شده است. موضوع این پژوهش این است که چگونه قبض و بسط مشارکت سیاسی از سوی حکومت می‌تواند بر کاهش یا افزایش حقانیت آن تأثیر بگذارد. البته اذعان می‌شود که دو مفهوم مشارکت و حقانیت سیاسی از مفاهیم اساسی ولی کشدار در علوم سیاسی است. نکته این است که چه تحولی در مشارکت سیاسی موجب چه تحولی در میزان حقانیت سیاسی می‌شود. بنا بر این لازم است، وضع مطلوب و نامطلوب هر یک از این مفهوم تعیین شود تا معلوم گردد چه سیری در متغیر مستقل

مشارکت بر چه سیری از حقانیت اثر خواهد گذاشت برای این منظور ابتدا به تعریف مفاهیم می پردازیم.

ب) تعریف مفاهیم

۱- مفهوم مشارکت سیاسی

بحث و بررسی در خصوص تعریف، مفهوم، ماهیت، گستره، انواع و عواقب مشارکت علقه متفکران و موضوع کتاب، مقاله و نوشتارهای متعددی بوده است. مانند دیگر مفاهیم اجتماعی، مشارکت نیز محل برخورد آراء و عقاید مختلف بوده است و بر همین اساس در تعریف مشارکت نیز بین اندیشمندان سیاسی اجماع وجود نداشته است.

واژه مشارکت مأخوذ از عربی است به معنی انبازی، شراکت، مشارکت یعنی شراکت ساختن و انبازی دادن است. اما در قالب مدرنیته‌ای که در غرب شکل گرفت مشارکت سیاسی به معنای خاص به کار رفته است. از جمله آلن بیرو مشارکت را چنین تعریف کرده است: «مشارکت به معنی سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنا بر این با آن همکاری داشتن است»^(۱) مشارکت سیاسی از تعریف کتاب مرجع دایرة المعارف بین المللی علوم اجتماعی چنین آمده است: «مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب و شرکت مستقیم و غیر مستقیم در سیاستگذاری عمومی است»^(۲). در این تعریف مشارکت یک فعالیت در نظر گرفته شده است نه نگرش، و هیچگونه تفاوتی بین شهروندان عادی و دولتی قائل نگردیده است، زیرا به نام اعضای جامعه یاد شده است و هم به فعالیت هیجانی که معمولاً در مشارکت بسیجی وجود دارد، اشاره شده است.

مایرون واینر در مقاله خود درباره مشارکت سیاسی؛ پس از ذکرده مورد از تجلیات مشارکت سیاسی، این تعریف را ارائه نموده است «مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق سازمان یافته یا بدون سازمان دوره‌ای یا مستمر شامل روشهای مشروع و نامشروع برای تأثیر بر انتخاب رهبران، سیاستها

۱- آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه دکتر ساروخانی (تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۷)

2- R Maclosky "Political Participation" *International Encyclopedia of social science*, vol II" (Newyork Mac Millan)

1998) .p243.

و اداره عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است.^(۱) ساموئل هانتینگتون و نلسون در تعریف از مشارکت سیاسی می‌نویسند: «مشارکت سیاسی کوششهای شهروندان غیر دولتی برای تأثیر بر سیاستهای عمومی است.»^(۲) در تعریف دیگر میل براث آمده است: «مشارکت سیاسی رفتاری است که اثر می‌گذارد و یا قصد تأثیرگذاری بر نتایج حکومتی دارد»^(۳)

با توجه به تعاریف اندیشمندان علوم سیاسی، ما شاهد سیر تحول در مشارکت سیاسی: عدم مشارکت که ویژگی رژیمهای سنتی است، مشارکت منفعلانه که خصلت رژیمهای مدرن (دیکتاتوری، اقتدارگرا و توتالیتار) و مشارکت سیاسی فعالانه که ویژگی اصلی رژیمهای دموکراتیک می‌باشد، هستیم. مشارکت سیاسی مورد نظر در این پژوهش، مشارکتی است که به منظور تأثیر بر انتخاب مجریان و بر نحوه تصمیم‌گیری جهت تأمین منافع و خواسته‌های فردی و گروهی انجام می‌پذیرد.

۲) تعریف حقانیت

حقانیت در ایران به غلط به عنوان مشروعیت مطرح شده است.^(۴) مشروعیت از لحاظ لغوی مصدر جعلی از ریشه «شرع» است اما حقانیت به معنای حق پنداشتن است، نه برحق بودن. امروزه در متون سیاسی حقانیت رایج معادل واژه انگلیسی (legitimacy) است. این واژه از ریشه لاتینی leg یا lex به معنای قانون (law) گرفته شده و با واژه‌هایی نظیر legal به معنای قانونی legislation به معنای قانون یا تقنین به معنای حقانی هم خانواده است.

از لحاظ اصطلاحی، هرچند که از سوی محققان علوم سیاسی تعاریف گوناگون برای واژه «حقانیت» ارائه شده است، اما همه آنها به نوعی به ماهیت چرایی اطاعت مردم از زمامداران و اعمال قدرت آنان بر

1- Myron Wiener "Political Participation" In *Crises and Sequences in Political Development* (Princeton :

Princeton, p. 1971) p.164.

2- Samuel Huntington and John Nelson; "Participation no Easy Choice" (London: Harvard u.p., 1976) P.201.

3- Millbrath, L. , *Political Participation, Hand book of Political behavior*, Vol. 4 (ed), S.Lon 8, (Newyork plenum press, 1981), p.201.

۴- سیدحسین سیف زاده، «تمثیل ارتباطی - فرهنگی، جمهوریت و حقانیت (مشروطیت) سیاسی» در کتاب جمهوریت و انقلاب اسلامی

(تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷) ص ۱۳۳.

مردم باز می‌گردد.

طبیعی است که نظامهای سیاسی تمایل دارند مردم از اوامر حکومت آنها اطاعت نموده و با کمترین چون و چرائی تصمیمات دولت را معتبر بدانند، ولی هرچه پشتیبانی اکثریت مردم از رهبران و سردمداران کشورها بیشتر باشد، عمر آن نظامها زیادت‌ر و نیاز آن‌ها برای بکارگیری زور و فشار جهت اجرای تصمیمات کمتر می‌گردد. چنین فرمانبری داوطلبانه و پذیرش آگاهانه تصمیمات قدرت سیاسی از جانب مردم را در اصطلاح سیاسی «مشروعیت» یا «بر حق بودن» و یا حقانیت می‌گویند.

بدین ترتیب «حقانیت» به معنای حق پنداشتن است و لذا در فرهنگ سیاسی غرب آن چیزی حقانی است که قانونی باشد. البته حقانیت دامنه وسیعتری از قانون دارد. امور حقانی باید منطبق بر این برداشت مردمی باشد که متضمن حقوق مردم، عدالت و انصاف بوده و سنت‌ها و ارزش‌های حاکم بر جامعه را نیز در خود جای می‌دهد. بدین معنا حقانیت یک رژیم ناشی از هویت ارزشی و قانونی آن است، و لذا در هر جامعه، میزان حقانیت سیاسی با جامعه دیگر متفاوت است. از این دیدگاه حقانیت متناسب با فرهنگ جامعه طبقه بندی می‌شود.

دکتر نقیب زاده در تعریف مشروعیت سیاسی می‌نویسد: «مشروعیت سیاسی عبارت است از پذیرش قلبی حکومت، حاکمان و نظام سیاسی از طرف حکومت شونده‌گان»^(۱) بنابراین از دیدگاه مکاتب مختلف حقانیت معمولاً دارای دو بعد و در حکومت دینی دارای سه بعد می‌باشد:

الف) مشروعیت، ب) مقبولیت ج) کارآمدی

بر اساس نظر مکتب امامت در حکومت اسلامی مشروعیت حاکمان از طرف خداوند تأمین می‌گردد و مقبولیت حاکمان از ناحیه مردم و کارآمدی آنان از تخصص و مهارت آنان ناشی می‌شود. تفاوت اساسی نظامهای دینی با حکومت لائیک در همین نکته نهفته است. به عبارت دیگر در فرهنگ سیاسی غرب حقانیت دارای دو لایه مقبولیت و کارآمدی است. اما در مکتب امامت حقانیت سه لایه دارد. مشروعیت همان اراده تشریحی خداوند یکتا است که در قالب آئین جهانی اسلام نمایان شده است.

۱- احمد نقیب زاده، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، (تهران: مهر، قم، ۱۳۷۹) ص ۱۵۴.

حکومت اسلامی موظف است در راستای تأمین امنیت ملی به ماهیت قدسی احکام و قوانین اسلامی عنایت داشته باشد. بر اساس مشروعیت احکام اسلامی (مرتبه، استعداد و صلاحیت) با شارع مقدس می‌باشد که همان مشروعیت است و در مرتبه (سلطه و فعلیت) نظر مردم که همان مقبولیت است. به عبارت دیگر انتخاب حاکم اسلامی در مکتب امامت توسط مردم شرط وجود است نه شرط وجوب، یعنی هر چند مشروعیت حکومت اسلامی از سوی شرع است ولی تحقق خارجی آن به انتخاب و حمایت مردم است. در حکومت‌های غیردمکراتیک مدرن سرکوب جای مقبولیت می‌نشیند و به همین لحاظ است که اینگونه حکومت‌ها به هر حال از دوام چندانی برخوردار نیستند.

حقانیت سیاسی تنها به قانونی بودن و انطباق بر ارزشهای حاکم بر جامعه خلاصه نمی‌شود بلکه بر چگونگی ارتباط بین حکومت‌کننده و حکومت‌شونده نیز تسری می‌یابد. حقانیت آن قدرت پنهانی و ذهنی است که در جامعه وجود دارد و مردم را بدون فشار و زور و ادار به اطاعت از حکومت می‌کند. ابوالحمد درباره حقانیت می‌نویسد:

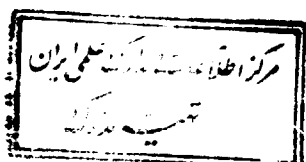
نظام سیاسی می‌تواند پایدار باشد که از پشتیبانی انبوه مردم و حکومت‌شوندگان بهره‌مند است و با مخالفتها و اعتراضها و دشواریهای سخت روبرو نیست. نظام سیاسی که از پشتیبانی بیشتر مردم برخوردار است، نیاز کمتری به بکار بردن فشار دارد. این پذیرش یا فرمان‌بری آگاهانه و داوطلبانه مردم از نظام سیاسی و قدرت حاکم را در اصطلاح «مشروعیت» یا «حقانیت» یا «برحق بودن» می‌گویند.^(۱)

بدین ترتیب حقانیت حکومت از طریق اعتماد و رضایت مردم از حاکمان بدست می‌آید.

سؤال اصلی پژوهش

۱- ناتوانی رژیم پهلوی در برآوردن تقاضای مشارکت سیاسی مردم، تا چه میزان در افول حقانیت

۱- عبدالحمید ابوالحمد، مبانی علم سیاست (تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۰) ص ۲۴۴.



سیاسی و در نهایت سقوط آن مؤثر بوده است؟

سؤال فرعی پژوهش:

- ۱- مهمترین ویژگیها و مبانی مشارکت سیاسی در نظریه‌های سیاسی کدامند؟
- ۲- مهمترین ویژگیها و مبانی حقانیت سیاسی در نظریه‌های سیاسی کدامند؟
- ۳- عمده‌ترین ابزارهای رژیم پهلوی دوم برای مشارکت سیاسی مردم چه بوده است؟
- ۴- عمده‌ترین ابزارهای رژیم پهلوی دوم برای حقانیت سیاسی کدامند؟
- ۵- مهمترین خواسته‌ها و آمال جریان مذهبی چه بود؟
- ۶- مهمترین خواسته‌ها و آمال ملیون و طبقه متوسط کدامند؟
- ۷- توسعه ناهمگون تا چه میزان در افزایش مشارکت طلبی مردم نقش داشته است؟
- ۸- مهمترین نمودهای بحران مشارکت در رژیم پهلوی دوم کدامند؟
- ۹- مهمترین نمودهای بحران حقانیت در رژیم پهلوی دوم کدامند؟

فرضیه اصلی

بروز بحران مشارکت «به عنوان متغیر مستقل» احتمالاً مهمترین عامل مؤثر در بروز بحران حقانیت «به عنوان متغیر واسطه» رژیم پهلوی و در نهایت فروپاشی بعنوان متغیر وابسته آن بوده است.

پیشینه موضوع:

امروزه علت فروپاشی رژیم پهلوی یکی از موضوعات پر رونق محافل دانشگاهی و پژوهشگاهی است. محققان از منظرهای گوناگون به این موضوع پرداخته و عوامل مختلف را در فروپاشی مؤثر دانسته‌اند.

این پژوهش در نظر دارد تا چه حد فقدان پاسخگویی حکومت به تقاضای مردم مشارکت سیاسی موجب افول آن شد. از آنجاکه مشارکت سیاسی یکی از عوامل مؤثر در تأمین حقانیت نظامهای سیاسی است، مطالعه رابطه بحران مشارکت سیاسی و تأثیر آن در افول حقانیت رژیم پهلوی می‌تواند در تبیین تحولات تاریخ معاصر ایران مفید واقع گردد. تاکنون پژوهشی دانشگاهی که به فروپاشی رژیم از زاویه بحران مشارکت سیاسی پرداخته باشد وجود ندارد، یا حداقل بنده نتوانسته‌ام پیدا نمایم. به این موضوع

بطور غیر مستقیم در بعضی از پایان نامه‌ها اشاره شده است، امید است این پژوهش قدم جدیدی در تبیین یکی از موضوعات مهم جامعه معاصر ایران برداشته و در این زمینه مؤثر گردد.

اهمیت موضوع:

به اعتقاد برخی از اندیشمندان ایرانی به مقتضای گسترش اطلاعات و اخبار که از رهگذر رشد حیرت انگیز تکنولوژی و فن آوری ارتباطات محقق گشته و باعث افزایش تقاضای مردم از دولت‌ها گردیده است. از یک سو با کسب اطلاعات و آگاهی‌های جدید از موقعیت و منافع خود مطلع گشته و در طرح مطالبات و خواسته‌ها توانگر گردیده و از سوی دیگر در شرایط جدید که عمده‌ترین ویژگی آن روند مردم سالاری است، دولت‌ها قادر به نادیده گرفتن تقاضای مردم نمی‌باشند. موضوع مشارکت طلبی یکی از موضوعات مورد توجه در تاریخ معاصر بوده و در وضعیت جدید به یکی از مسائل اساسی و بنیادی امروز ایران تبدیل گردیده است. از این رو چگونگی مشارکت سیاسی مردم، یکی از دغدغه‌های اصلی اندیشمندان و متفکران سیاسی ایران می‌باشد. در تاریخ معاصر مشارکت طلبی مردم ایران تا فروپاشی رژیم پهلوی دوم همواره سرکوب گردیده و تنها در مقاطعی کوتاه با بوجود آمدن فضای باز سیاسی نسبی برای پاسخ به مشارکت طلبی، گروه‌ها و تشکلهای در صحنه سیاسی ظاهر شدند.

با عنایت به اهمیت روز افزون مشارکت سیاسی در تأمین ثبات سیاسی و حقانیت حاکمان، این پژوهش در نظر دارد علت سقوط رژیم پهلوی را به عنوان نقطه عطف در تاریخ معاصر ایران با بهره‌گیری دو فقره از بحرانهای پنج‌گانه توسعه سیاسی محک بزند.

نقطه تمرکز موضوع:

از نظر زمانی، پژوهش از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ بوده و از نظر مکانی «ایران» می‌باشد.

روش پژوهش:

روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای بوده و متدلوژی تحقیق، تفسیری می‌باشد.

سازماندهی پژوهش:

پژوهش حاضر در چهار فصل تنظیم گردیده است. فصل اول: چارچوب مفهومی بحث از جمله تحلیل نظری مشارکت، تأثیر مشارکت سیاسی در تأمین حقانیت و نیز بحرانهای پنج‌گانه بویژه بحرانهای